

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال هشتم - پاییز ۱۴۰۵ - شماره ۲۷ - ص ۵-۲۲

عوامل رستگاری جامعه از منظر قرآن و روایات

ناهیده مقنی پورا لقلندیس^۱

چکیده

هدف از خلقت اجتماعی انسان، رسیدن به بندگی خدا، قرب الهی و عاقبت به خیری (رستگاری) است، به همین دلیل یکی از مهمترین مسائل حیاتی انسان، رسیدن به رستگاری است. قرآن کریم دریای بی‌کران علوم و معارف است که گهرهای گوناگون را در خود مخفی کرده است و از موضوعات مهم و جالب قرآن فلاح و رستگاری است که در بسیاری از آیات به آن پرداخته شده و به صورت‌های مختلف بیان شده است. در اینجا رستگاری جامعه به معنای زندگی با عزت است که لازم است به آن برخورداری جامعه از انسجام، وحدت و... است و همراه با ویژگی‌هایی که شامل پیروزی‌های مادی و معنوی می‌باشد. یکی دیگر از مواردی که در این مقاله به آن اشاره شده؛ پیمانهای اجتماعی و وفای به آن، تعهدات اجتماعی مردم که از ضروری‌ترین شرایط زندگی و سعادت و رستگاری یک جامعه را همواره به دنبال داشته و زمینه رحمت و لطف الهی را فراهم خواهند کرد. این تحقیق؛ از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

واژگان کلیدی: رستگاری، جامعه، پیمان، زندگی اجتماعی

۱. طلبه سطح دو، حوزه علمیه خاوران، حوزه علمیه الزهرا (سلام‌الله‌علیها)، شهرستان مراغه، آذربایجان شرقی.

مقدمه

یکی از مسائل مهم در جوامع بشری موضوع «سعادت و رستگاری» است زیرا از همان آغاز خلقت تا کنون طالب سعادت و رستگاری بوده و از شقاوت و بدبختی گریزان، ولی مشکل بزرگ، شناختن اصل سعادت و حقیقت سعادت و رستگاری است چرا که اگر حقیقت آن معلوم نشود، نمی توان به آسانی و به زودی به آن دست یافت، زیرا به دنبال مجهول رفتن و به امید رسیدن به آن، کاری عبث و غیر ممکن است.

مراد ما از «رستگاری جامعه» در این نوشتار، رسیدن جامعه (یا اکثر شهروندان آن) به زندگی گوارا و همراه با عزت است که لازمه اش برخورداری جامعه از انسجام، وحدت، اعتماد عمومی، عدالت اجتماعی و هماهنگی در فعالیتهای اجتماعی است. این نوشتار در صدد تبیین رابطه بین پیمانهای اجتماعی و رستگاری جامعه است؛ یعنی تبیین این موضوع که در صورت پایه بندی افراد و گروههای اجتماعی به پیمانهای خود، جامعه ای سعادت مند خواهد داشت. البته سعادت مندی جامعه، مصادیق زیادی دارد و ما به برخی از آنها در این مقاله اشاره می کنیم، از قبیل: اعتماد عمومی، انسجام و وحدت اجتماع، و عدالت اجتماعی می باشد.

در بسیاری از کتب همواره به این مسئله اشاره شده است؛ کتاب «اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی» به مبحث هایی از جمله؛ اخلاق کارگزاران نظام، توانایی و امانت داری، رعایت حق الناس و حق النفس توسط کارگزاران و... اشاره دارد. در مقاله آیین مومنان برای رسیدن به رستگاری: مجله پاسدار اسلام» که اگر جامعه بخواهد به سعادت و رستگاری برسد در مرحله اول باید خود را با وصف تقوا بیاید که با توجه به آیه ای از قرآن کریم برنامه برای اهل ایمان بیان شده که موجب فلاح و رستگاری می باشد. مزیت و نوآوری این مقاله به جهت استفاده از آیات و روایات برای تبیین عوامل رستگاری در جامعه است و همچنین بیان ویژگی رستگاران و جامعه ای که بر پایه ی فلاح و رستگاری بنا شده باشد.

۱- مفهوم شناسی

در این قسمت برای درک بهتر موضوع مقاله، مفهوم کلمات کلیدی به صورت لغوی و اصطلاحی بیان خواهند شد.

۱-۱ مفهوم رستگاری

لغوی:

«رستگاری در لغت به معنی و نجات»^۱، «کامیابی و رهایی یافتن است»^۲

^۱ قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۰۱

^۲ معلوف، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی - ترجمه ی کامل المنجد الابجدی، ص ۶۷۰

«فلاح در اصطلاح پیروزی و رسیدن به آرزو است که دو گونه است: ۱- دن بیوی ۲- خروی ۱- فلاح و پیروزی دنیایی در سعادت هایی است که زندگی دنیا با آن ها پاک و پاکیزه می شود و همان بقاء عزت و بی نیازی است. ۲- رستگاری و فلاح حقیقی اخروی که در چهار چیز است: اول: بقا و جاودانگی بدون فنا دوم: بی نیازی بدون فقر و نیازمندی سوم: عزت بدون خواری و ذلت چهارم: دانایی و علم بدون جهالت و نادانی»^۱

اصطلاحی:

در اصطلاح «فلاح پیروزی و رستگاری دنیوی و اخروی است که از سان آزاد و سربلند، عزیز و بی نیازی زندگی کند که این امور جز در سایه ایمان امکان پذیر نیست و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار در میان نعمت های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک و در کمال عزت و سربلندی به سر برد»^۲

«فلاح و رستگاری معنی وسیعی دارد که پیروزی های مادی و معنوی را شامل می شود. در مورد مؤمنان نیز هر دو بعد منظور است. پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که از سان آزاد و سربلند، عزیز و بی نیازی زندگی کند و این امور جز در سایه ایمان امکان پذیر نیست و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار، در کنار دوستان شایسته و پاک و در کمال عزت و سربلندی در نعمت های جاویدان غوطه ور شود»^۳

۱-۱ - مفهوم جامعه

تعریف لغوی:

«جامعه. تانیث جامع گردآورنده. فراهم آورنده. جمع کننده. غلی که بر گردن و بر دست نهی. نوعی از زیور که دستها را به گردن فراهم آورد. جرگه. اجتماع. مجت مع. حوزه. حلقه. اجتهام. هیئت اجتماع. مردم یک کشور یا یک شهر یا ده»^۴

تعریف اصطلاحی:

«مجموعه ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند، جامعه را تشکیل می دهد. در نگاهی کلی به واژگان مربوط به «جامعه»؛ کلماتی را در قرآن می توان یافت که گرچه هر یک معنای ویژه خود را دارد و حاکی از واقعیتی خاص است؛ اما ناظر به جمع و گروه است؛ از این میان واژه «امت» که

^۱ راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۳، صص ۹۱ و ۹۲

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۹۳

^۳ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۹۴

^۴ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۳، ص ۳۱۷۴

مشتق از «ام» است و بر گروهی اطلاق می‌شود که وجه مشترکی مانند دین واحد، زمان واحد، یا مکان واحد به طور اختیاری یا اجباری داشته باشند»^۱

«زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسانها در کنار یکدیگر و در یک منطقه زیست کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده نمایند. درختان یک باغ نیز در کنار یکدیگر زیست می‌کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده می‌نمایند، همچنانکه آهوان یک گله نیز با هم می‌چرند و با هم می‌خرامند و با هم نقل مکان می‌کنند. اما نه درختان و نه آهوان هیچ کدام زندگی اجتماعی ندارند و جامعه تشکیل نمی‌دهند. زندگی انسان که اجتماعی است به معنی این است که (ماهیت اجتماعی) دارد: از طرفی نیازها، بهره‌ها و برخورداریه‌ها، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره‌ها و تقسیم رفع نیازمندیها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست، از طرف دیگر نوعی اندیشه‌ها، ایده‌ها، خلق و خویها بر عهده عموم حکومت می‌کنند که به آنها وحدت و یگانگی می‌بخشد، و به تعبیر دیگر، جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمانها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند»^۲

۳-۱- مفهوم قرآن

لغوی:

«قرآن، به معنای (جمع و گردآوری)؛ کسانی که به این معنا قائلند، در آیه: (إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ)»^۳ «واژه‌ی (جمعه) و (قرآن) را مترادف و هم‌معنا می‌دانند در وجه نام گذاری آن به (قرآن) گفته‌اند: چون قرآن جامع فواید کتاب‌هایی است که از سوی خدا نازل گشته (تورات، انجیل، زبور و...)، بلکه جامع فواید همه علوم می‌باشد؛ همان‌گونه که قرآن خود به این مطالب اشاره دارد؛ مانند: (تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ)^۴ و (تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) بر این اساس قرآن گردآورنده علوم گذشتگان و آیندگان می‌باشد، اعم از علوم معنوی که متعلق به انبیاء و گذشتگان بوده است و علوم مادی و تجربی و دنیوی»^۵

روشن‌ترین و مناسب‌ترین معنا برای قرآن، اشتقاق آن از ماده قرأ به معنای تلاوت کردن است.

۱. راغب، مفردات فی الفاظ القرآن، ص ۸۶

۲. مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۱۸ و ۱۹

۳. قیامت، ۱۷

۴. یوسف، ۱۱۱

۵. راغب اصفهانی، مفردات، ماده قراء

اصطلاحی:

خداوند می‌فرماید: «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ - زیانت را به خواندن قرآن حرکت مده تا در خواندن آن عجله کنی ، که خواندن و جمع آن بر عهده ماست . و چون ما آن را خواندیم ، از خواندن آن پیروی کن (و ه مانطور بخوان که ما خوانده ایم»^۱

«قرآن (ق ر) نام کتاب آسمانی مسلمانان که بر حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر اسلام نازل گردید. و در لفظ قرآن اختلاف است . برخی گویند اسم علم غیر مشتق است و مخصوص است به کلام خدا و همزه جزء حروف اصلی آن نیست ، ابن کثیر چنین خوانده و از شافعی نیز چنین روایت شده است . برخی دیگر گویند این لفظ مشتق است از "قُرئت الاهی بالشی" و قرآن نامیده شد زیرا در میان سوره و آیات و حروف آن مقارنه وجود دارد»^۲

۲- ویژگی‌های رستگاران

در قرآن کریم «رستگاران» که از آنها تعبیر به «هم المفلحون» شده است دارای ویژگی‌های خاص هستند که عبارت‌اند از:

۱- کسانی که دارای پنج ویژگی خاص به همراه هدایت الهی هستند: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ؛ وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ؛ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - پرهیزگاران کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می‌آورند، نماز را برپا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند و به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده ایمان می‌آورند و به رستگاری یقین دارند آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارند.»^۳ «پاداش اهل تقوی که به غیب ایمان دارند و اهل نماز و انفاق و یقین به آخرت هستند رستگاری و فلاح است رستگاری بلندترین قله سعادت است.^۴ زیرا خداوند هستی را برای بشر آفریده»^۵ و «بشر را برای عبادت»^۶ و «عبادت را برای رسیدن به تقوا»^۷ و «تقوا را برای رسیدن به فلاح و رستگاری»^۱

۱ . قیامت، ۱۶ تا ۱۸

۲ . دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل حرف قاف

۳ . بقره، آیات ۵-۳

۴ . قرائتی ، تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۱

۵ . بقره، آیه ۲۹. «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً»

۶ . ذاریات، آیه ۵۶ «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»

۷ . بقره، آیه ۲۱ «اعبدوا ربکم... لعلکم تتقون»

۲- کسانی که از حزب الله هستند: «... أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - بدانید حزب الله پیروزان و رستگارانند»^۲ در تفسیر آیه آمده است: «هر دو آیه از قرآن مجید اشاره به «حزب الله» شده (آیه مورد بحث و آیه ۵۶ سوره مائده) و در یک آیه اشاره به «حزب شیطان»^۳، در هر دو مورد که از حزب الله سخن می گوید روی مسئله «حب فی الله و بغض فی الله» و ولایت اولیای حق تکیه کرده است. بنابراین خط حزب الله همان خط ولایت و بریدن از غیر خدا و پیامبر و او صیای او است. در مقابل بارزترین نشانه ی حزب شیطان را همان نفاق و دشمنی با حق و فراموشی یاد خدا و دروغ و نیرنگ می شمرد»^۴

۳- کسانی که مطیع محض خدا و رسول هستند: «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - سخن مؤمنان هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شدند تا میان آنان داوری کنند، تنها این است که می گوید شنیدیم و اطاعت کردیم و اینها همه رستگارانند»^۴ مکارم شیرازی در باره آیه فوق می نویسد: «چه تعبیر جالبی «سمعنا و اطعنا» (شنیدیم و اطاعت کردیم) کوتاه و پرمعنا. جالب ایند که کلمه «انما» که برای حصر است می گوید: آنها جز این سختی ندارد و سر تا پایشان همین سخن است و راستی حقیقت ایمان نیز همین است و بس «سمعنا و اطعنا». لذا در پایان آیه می فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» که کسی که زمام خود را به دست خدا بسپارد و او را حاکم و داور قرار دهد بدون شک در همه چیز پیروز است چه در زندگی مادی و چه معنوی»^۵

۴- کسانی که علاوه بر ایمان به خدا را به درستی عبادت می کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ - ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید.»^۶

۲- عوامل رستگاری جامعه

برای رسیدن جامعه به رستگاری، عوامل بسیاری دخالت دارند که در این تحقیق به برخی از عوامل مهم پرداخته خواهد شد:

الف) رعایت پیمانهای اجتماعی

۱. مائده، آیه ۱۰۰ «واتقوا الله لعلکم تفلحون»

۲. مجادله، آیه ۲۲

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۴۷۲

۴. نور، آیه ۵۱

۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۲۲

۶. حج، آیه ۷۷

یکی از اصول جامعه رستگار و پایدار، قانونمداری و رعایت پیمان‌های اجتماعی است. پیمان‌های اجتماعی و وفای به آن، از ضروری‌ترین شرایط زندگی جمعی و لازمه تحقق و بقای همکاری اجتماعی است. تمام مزایایی که از جامعه می‌بریم و همه حقوق زندگی اجتماعی ما که با تأمین آن آرامش می‌یابیم، بر اساس عهدهای اجتماعی عمومی و نیز عهدهای جزئی متکی بر آن عهدهای عمومی، استوار است؛ یعنی تعهداتی که افراد به جامعه می‌دهند و یا از آن می‌گیرند، هر چند این پیمانها را بر زبان، جاری نکنند.

استاد مطهری در مورد پایبندی به تعهدات و پیمان‌ها معتقد است: «اهمیت پیمانها به حدی است که از دیرباز و در طول تاریخ زندگی اجتماعی بشر، بین گروهها و قبایل و جوامع مختلف، وجود داشته است. امروزه نیز بین آنها معا هدات گوناگون به امضا می‌رسد و همین طور پیمانهای بین المللی فراوانی، ساز و کار و شیوه عمل کرد کشورها را در مواجهه با موضوعات مختلف تعیین می‌کنند، همچون: معاهده بر خورد با اسیران جنگی، عدم تجاوز به خاک دیگران، احترام به حقوق اقلیتها و... فراگیر بودن احترام به پیمانها برای آن است که از وجدان بشر، سرچشمه گرفته اند، نه از عقیده و دین خاص، چنان که امیر مومنان علی(ع) به این حقیقت اشاره می‌فرماید و کارگزار خویش را به رعایت آن دعوت می‌کند»^۱

امام علی (ع) رعایت پیمان‌نامه‌ها را در هر شرایطی لازم دانسته و می‌فرماید: «در میان واجبات الهی، هیچ موضوعی همانند وفای به عهد، در میان مردم جهان (با تمام اختلافاتی که دارند)، مورد اتفاق نیست. به همین جهت، بت پرستان زمان جاهلیت نیز پیمانها را در میان خود، محترم می‌شمردند؛ زیرا عواقب دردناک پیمان شکنی را دریافته بودند»^۲

(ب) اعتماد متقابل

یکی از عوامل مهم جامعه‌ی سعادت‌مند، اعتماد متقابل بین افراد مردم است، این اعتماد به حدی دلنشین و شیرین است که مردم بدون دغدغه به یاری هم شتافته و نگران عمل نکرد خود نیستند، شراکت، همیاری و دوستی را می‌توان در این جامعه به وضوح دید. از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی یک جامعه، «اعتماد متقابل» افراد و گروه‌های اجتماعی، نسبت به یکدیگر است. «احساس اعتماد، جامعه را از صورت آحاد پراکنده بیرون آورده، هم‌چون رشته‌های زنجیر به هم پیوند می‌دهد، و همین اصل اعتماد متقابل است که پشتوانه فعالیت‌های هماهنگ اجتماعی است و بدون آن، سلب اطمینان عمومی (که بزرگ‌ترین بلای اجتماعی است)، دامنگیر جامعه می‌شود»^۳ در این صورت است که فردگرایی در جامعه تقویت گشته،

۱. مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۵۳

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۴۵ و ج ۱۱، ص ۳۸۲

جمع گرایی و اندیشیدن و پرداختن به منافع جمعی از بین می رود و به تعبیر امام علی (ع) بدنهایی در کنار هم قرار می گیرند؛ ولی خواسته های متفاوت دارند: «ای مردم کوفه! بدنهای شما در کنار هم، اما افکار و خواسته های شما پراکنده است»^۱

بنیان اعتماد متقابل در جامعه انسانی بر پیمانها استوار است. با فراگیر شدن روحیه وفاداری به پیمانهای درون گروهی و برون گروهی، اعتماد و اطمینان به همکاری اجتماعی و پایبندی اعضای جامعه به قراردادهای و قوانین اجتماعی افزون و تثبیت می گردد. در این صورت، جامعه احساس آرامش و امنیت می کند و در سایه پیمانها، پناهگاه محکمی برای اعضای آن فراهم می شود.

این حقیقت، در کلام امیر مومنان علی (ع) به زیبایی منعکس شده است، آن گاه که فرماندار منصوب خویش بر مصر (مالک اشتر) را مورد خطاب قرار داده، دعوت به رعایت پیمانها می کند: «... پس هرگز پیمان شکن نباش!... خداوند، عهد و پیمانی را که با نام او شکل می گیرد، با رحمت خود، مایه آسایش بندگان و پناهگاه امنی برای پناه آورندگان قرار داده است، تا هم گمان به حریم امن آن روی بیاورند»^۲

انفاق

هنگامی که در جامعه، انفاق، همدلی و کمک به یکدیگر رواج داشته باشد، سعادت و فلاح را می توان در آنجا حس نمود. در بسیاری از آیاتی که خداوند به انفاق، زکات و یاری رساندن به یکدیگر اشاره نموده است، بلافاصله انجام این امور و عاقبت این کارها را فلاح و رستگاری معرفی می کند. کمک کردن به فقرا، انفاق و دست گیری از محرومان و بیچارگان، یکی از برترین کارهاست که خیر و پاداش فراوان به همراه دارد. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «فَاتِذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - پس حق خویشان خود و بیچارگان و در راه ماندگان را بپرداز که این کار برای کسانی که خشنودی خداوند را طلب می کنند، مایه خیر و برکت است و آنها، کسانی هستند که رستگار خواهند شد»^۳

در این آیه، دو نکته وجود دارد: اول اینکه انفاقی به رستگاری انسان می انجامد که در آن اخلاص وجود داشته باشد و دیگر اینکه خویشاوندان، در اموال انسان شریکند و اگر انسان مالی به آنها می بخشد، در حقیقت، حق آنان را ادا می کند و منتی بر گردن آنها ندارد.

۱. نهج البلاغه، ص ۵۵

۲. نهج البلاغه، ص ۴۱۹

۳. روم، ۳۸

برای این که انسان ره رستگاری را در پیش بگیرد باید در کنار تقوا و عبادت شدن و ده ها کار نیک باید به فکر فقرا باشد و به آنان نیز کمک کند زیرا فقرا نیز از مال ما سهم دارند و ما از آن غافل هستیم زیرا که در قرآن آمده « وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ - و در اموالشان، برای سائل و محروم حقی بود »^۱ در اموال انسان های مومن و متقی حقی برای سائل (گدا) و محروم (فقیری که سؤال نمی کند) است و کسی که امید به رستگاری دارد باید از اموال و درآند خودش برای نیازمندان سهمی را در نظر بگیرد.

خداوند عبادت واقعی را اینگونه بیان می کند: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بَعْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ - نیکی (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب بگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با علاقهای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان و سائلان و در (راه آزادی) بردگان بدهد، و نه از راهی که در (برابر) سختی ها، محرومیت ها، بیماری ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهد، اینها کسانی هستند که راست گفته اند (و گرفتار و رفتار و اعتقادشان همواره نیک است) و اینان همان پرهیزکارانند.»^۲ در این آیه بر کمک به دیگران، انفاق و زکات تاکید شده است.

عمل صالح

یکی دیگر از عوامل جامعه ی سعادت مند و رستگار، انجام عمل صالح توسط مردم است و هر چه این اعمال صالح بیشتر و مداوم باشد، مردم آن جامعه سعادت را به راحتی لمس نموده و از زندگی در بین این مردم لذت خواهند برد. عمل صالح عمل خالص استواری که با نیت خالص و با پرهیزگاری و داشتن هدفی مقدس انجام می پذیرد، پس چیزی که به عمل ارزش و کرامت می بخشد و آن را بالا می برد، جوهره و کیفیت آن است. و آنچه که به عمل انسانی شکل می دهد نیت اوست که از اعتقاداتش برمی خیزد رای این که هر کاری به نتیجه مطلوب برسد و تأثیر آن احساس شود، باید مراقب بود که آن عمل به بهترین صورت انجام گیرد. مثلاً در کمک به یک مستمند باید مراقب بود که آبرویش حفظ شود. عمل صالح عملی است که با نیت

۱. ذاریات، ۱۹

۲. بقره، ۷۷

خالص و پرهیزگاری انجام شود؛ مثلاً وقتی هابیل و قابیل قربانی انجام داده و آن را ارائه کردند فقط از هابیل پذیرفته شد زیرا داشتن نیت صحیح و تقوی برای عمل صالح شرط ضروری است. قرآن می‌فرماید: «وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (ای پیامبر!) داستان دو پسر آدم را به حق بر مردم بازخوان، آنگاه که (هر یک از آن دو) قربانی پیش آوردند، پس از یکی (هابیل) پذیرفته شد و از دیگری (قابیل) قبول نگشت. (قابیل) گفت: حتماً تو را خواهم کشت، (هابیل) گفت: خداوند، تنها از متقین قبول می‌کند.»^۱

نکات قابل توجه در این آیه عبارتند از: «در قبول یا عدم قبول اعمال، انگیزه‌ها و خصلت‌ها مؤثرند. إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» ملاک پذیرش اعمال، تقواست، نه شخصیت افراد و نه نوع کار. إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» تفاوت در قبول و عدم قبول، براساس تقواست، نه تبعیض. مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۲

در جای دیگر خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید.»^۳ یعنی این که به همراه انجام عبادات، عمل صالح باعث فلاح و رستگاری می‌شود. «فلاح و رستگاری، آخرین مرحله تکامل است که بعد از انجام عبادات و کارهای خیر باید امید آن را داشت»^۴

(ج) حکومت مبتنی بر عدل و امنیت

داشتن حاکم مدیر، مدبر، عدالتخواه و مردمی از دیگر عوامل مهم در زمینه‌های جامعه‌ی سعادت‌مند و رستگار است. اعضای هر جامعه، اهداف مشترکی دارند که جز با فعالیت جمعی، محقق نمی‌گردد. برای دستیابی به این اهداف مشترک (از قبیل: عمران و آبادی، نظم، امنیت، عدالت اجتماعی و...) نیاز به انتخاب و پذیرش مدیران و رهبرانی است که زمام امور جمعی را عهده‌دار شوند و خواسته‌های جمعی از طریق آنها پیگیری و انجام شود. در این صورت، هم جلوی هرج و مرج در سطح جامعه، گرفته می‌شود و هم دستیابی به اهداف با سرعت و دقت انجام می‌گیرد.

رهبران اجتماعی و مدیران جامعه، برای همراه کردن شهروندان با خود و دخالت دادن آنان در فعالیتهای جمعی، چاره‌ای جز جلب اعتماد آنان ندارند و بدون این همراهی (که بزرگ‌ترین

۱. مائده، ۲۷

۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۷۹

۳. حج، ۷۷

۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۶، ص ۷۵

سرمایه اجتماعی است) امکان دستیابی به اهداف مشترک اجتماعی و خودخواهد داشت. به خاطر اهمیت این مسئله است که علی(ع)، «برخی مسئولان حکومتی خود را دستور به جلب اعتماد عمومی می دهد»^۱

اساسی ترین عامل جلب اعتماد عمومی، پایبندی رهبران اجتماعی و مدیران جامعه به برپایی قسط و عدالت اجتماعی آنان است. برای روشن شدن موضوع، مثالی می زنیم: یکی از تعهدات مسئولان جامعه، حقوق یکسان قائل شدن برای افراد مختلف جامعه است، مثلاً به شکل قبیل‌های فکر نکنند، اموال عمومی و امکانات جامعه را جهت قشر خاصی صرف نکنند، بر خورد قانونی مساوی با زیرمجموعه خویش و گروه‌های مختلف اجتماعی داشته باشند، و...

اگر رهبران اجتماعی و کسانی که صاحب منصب و مقام اجتماعی اند به این تعهدات وفادار باشند، صداقت و راستی خویش را به مردم و جامعه اثبات می کنند که تأثیر فراوان در جذب دل‌های مردم دارد.

پذیرش صداقت مدیران جامعه که با پایبندی به عدالت اجتماعی به دست می آید، موجب همدلی مردم با آنان و قابل تحمل شدن نارساییها و کمبودهای اجتماعی می شود و بالعکس، شکستن تعهدات اجتماعی خشم مردم را به دنبال خواهد داشت، چنان که در این کلام امام علی (در سفارش آن حضرت به برخی مسئولان حکومتی خویش در وفاداری به پیمان) جلوه گر است: «مبادا مردم را وعده ای داده، سپس خلف وعده نمایی!... که خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی انگیزد»^۲

(د) امانتداری

خیانت نقطه‌ی مقابل وفا و امانتداری است، هر چه جامعه نسبت به اموال، انفس و امور مختلف جامعه وفادارتر و امانتدارتر باشند، رستگاری جامعه را می توان به وضوح دید. علاوه بر مسائل مادی و فیزیکی، بسیاری از امور معنوی و مسئولیتهای اجتماعی نیز امانت‌هایی هستند که افراد و گروه‌های اجتماعی به فرد یا افراد خاص می دهند و سپردن این امانتها، توأم با تعهداتی است که از آن افراد، گرفته می شود. در این صورت، دل‌های مردم به سوی آنان می گراید.

امانتداری هم برای حاکم است و هم برای ملت و نباید تصور کرد که فقط مردم باید امانتدار باشند، بلکه حاکمان نیز در مقابل پذیرش مسئولیت خود باید امانتدار و امین مردم باشند. استاد جوادی آملی در کتاب اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی می نویسد: «برقراری یک نظام اجتماعی در گرو گرایش دل‌های افرادی است که در زیر سایه آن حکومت به سر می برند و

۱. نهج البلاغه، ص ۴۰۷

۲. همان، ص ۴۱۹

در این صورت، آن نظام اجتماعی مورد تکریم و حمایت همه جانبه امت قرار می گیرد. این، هنگامی میسر است که رهبران اجتماعی در تعهدات خویش نسبت به امانتی که در اختیار دارند، (یعنی سمتها و مسئولیتهای اجتماعی) خیانت نورزند. از این رو، خیانت مسئولان در میثاقهای خویش موجب فروپاشی نظام اجتماعی و پراکندگی اجزا و عناصر آن خواهد شد.^۱ اعتماد مردم نسبت به مدیران اجتماعی و گرایش دلهای آنان نسبت به رهبران جامعه به حدی است که امام(ع) آن را از بهترین چیزهایی می داند که مایه روشنی چشم زمامداران می شود. و روشن است که محبت دلهای مردم نسبت به مسئولان، در سایه احساس امانتداری و امان بودن آنان جوانه می زند؛ یعنی خیانت نکنند^۲ و در تعهدات مربوط به مناصب اجتماعی ای که اشغال کرده اند، کوتاهی نورزند.^۳

انجام عبادات

انجام عبادات و به ویژه عبادات جمعی مثل نمازهای جمعه و جماعت، اعم از واجب و مستحب موجب قرب الهی و در نتیجه رستگاری و فلاح می شود. در بین عبادات نماز بیشترین تأکیدات را در کلام خداوند دارد، همچنانکه می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ - قَطْعاً مُؤْمِنَانِ رَسْتِگَارِ شَدَدَنْ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ هَمَانِ كَسَانِي كِه دَر نَمَازِشَان خَشُوع دَارَنْد؛ وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ - وَ أَنَانِ بَر نَمَازِهَايِ خُود مَوَاطِبَت دَارَنْد - هَمَانَا مُؤْمِنَانِ، رَسْتِگَارِ شَدَدَنْ... أَنَهَا كِه اَز نَمَازِ خُود مَحَافِظَت مِي كَنْد»^۴

در جای دیگر خداوند می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى - وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى؛ بِه رَا سْتِي رَسْتِگَارِ شَد أَن كَس كِه خُود رَا (اَز پَلِيدِيهَا) پَاك گَرْدَانِيد - نَام پَرُورْد گَارِش رَا يَاد كَرْد وَ نَهَاز گِذَارْد»^۵

نکته ای که از این آیه در می یابیم این است که تزکیه، آن است که فکر از عقاید فاسد و نفس از اخلاق فاسد و اعضاء از رفتار فاسد، پاک شود و زکات پاک کردن روح از حرص و بخل و مال از حقوق محرومان است.

استاد قرائتی در تفسیر این آیه می فرماید: «در مکتب انبیا، رستگاران پاکان هستند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» ولی در مکتب طاغوتیان، رستگاران زورمندانند. فرعون می گفت: هر کس پیروز شود

۱. جوادی آملی، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، ص ۱۷۵

۲. نهج البلاغه، ص ۱۷۹

۳. همان، ص ۴۰۹

۴. مومنون، ۲۱ و ۹

۵. اعلی، ۱۴ و ۱۵

رستگار است. «قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى»^۱ در قرآن رستگاری قطعی، هم برای مؤمنان آمده: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»^۲ و هم برای کسانی که خود را تزکیه کرده‌اند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» پس مؤمن واقعی همان کسانی هستند که خود را تزکیه کرده باشند»^۳

پیام مهم این آیه این است که تزکیه بدون نماز و عبادت نمی‌شود. «تَزَكَّى، ذَكَرًا سَمَّ رِبِّهِ فَصَلَّى»^۴ و این نشان دهنده ارزش و اهمیت نماز است که یکی از شروط آن فروتنی و خشوع است یعنی خضوع و فروتنی کامل در برابر هیبت و عظمت جمال و جلال خداوند. «قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون - همانا رستگار شدند مؤمنانی که در نمازشان خاشع اند»^۵

نکته دیگر در انجام عبادات حضور قلب است یعنی خدا را حس کردن و این که قلب نمازگزار در وقت عبادت از همه جا و همه چیز غیر از جمال حق تعالی فارغ و منصرف شود رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «خدا را عبادت، کن چنانچه گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند»^۶

انجام عبادت فقط برای خدا باشد و ریا و خودنمایی و ... در آن نباشد. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «عبادت و نماز را فقط و فقط برای رضای او انجام دهد و عملش را از هر آنچه که شائبه غیر خدائی دارد تصفیه و پاک نماید. تا آنجا که نماز را برای ترس از جهنم و یا ثواب و پاداش اخروی نخواند.»^۷

(و) وحدت و انسجام جامعه

تفرقه و نفاق بدترین آفت برای یک جامعه محسوب شده و در مقابل اتحاد و انسجام بهترین موهبتی است که جامعه را به سمت رستگاری و فلاح خواهد برد. یکی از نیازهای بنیادین هر جامعه، انسجام اجتماعی آن است. اهمیت آن به حدی است که برخی از متفکران علوم اجتماعی، وجود برخی کشمکش‌های اجتماعی را به رغم پاره‌ای از زیاده‌های آن، برای جامعه ضروری و مفید می‌دانند. به اعتقاد آنان، «کشمکش با جامعه‌ای دیگر می‌تواند جامعه‌ای را که به از هم گسیختگی گرایش دارد، ترمیم کند و یا می‌تواند همبستگی را افزایش دهد، مثل

۱. طه، ۶۵

۲. مومنون، ۱

۳. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۴۵۶

۴. همان

۵. مومنون، ۲۱

۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۴

۷. خمینی، روح الله، آداب نماز، ص ۲

کشمکش نژادی که می تواند همبستگی نژادی را افزایش دهد و به نظر آنها، بخشی از انسجام یهودیان اسرائیل، ناشی از کشمکش آنها با ملت عرب است»^۱

برخی اندیشه مندان، پیروزی و شکست هر جامعه را در گرو این اصل می دانند و معتقدند که «افراد یک جامعه، اگر دارای عالی ترین اندیشه و وجدان باشند، ولی تشکّل و تفاهم نداشته باشند، به طور قطع، شکست می خورند و بالعکس، اگر افراد جامعه ای یک صدم ارز شهای فردی افراد جامعه پیش گفته را نداشته باشند ولی دارای انسجام اجتماعی باشند، پیروز خواهند شد»^۲

به اعتقاد قرآن کریم، عامل وحدت و انسجام جامعه، ادای امانت است و بزرگ ترین امانت، همان مناصب و مقامهای اجتماعی است که مردم هر جامعه، بر اساس تعهدات خاص به شخص یا اشخاص خاص می سپارند. «امین بودن مسئولان جامعه، به وفاداری آنها به آن پیمانها بستگی دارد. در این صورت است که حمایت مردم متوجه آنان گشته، بین مردم و مسئولان جامعه یکپارچگی و وحدت ایجاد می شود»^۳

ایمان

افراد جامعه ای که معتقد قلبی به خدا باشند، به طور یقین در مسیر فلاح و رستگاری حرکت خواهند نمود. ایمان به خدا در قرآن به معنای تصدیق به یگانگی او و پیغمبرانش و تصدیق به روز جزا و بازگشت به سوی او و تصدیق به هر حکمی است که فرستادگان او آورده اند. البته لازمه ایمان عمل صالح است و ایمان تصدیق توأم با تسلیم و اطمینان خاطر است.

خداوند در قرآن سرانجام نیک و سعادت مند را از آن کسانی می داند که ایمان به خدا و رسولش داشته باشند و می فرماید: «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - (ولی) هنگامی که مؤمنان را به خدا و پیامبرش فراخوانند، تا میانشان داوری کند، سخنشان جز این نیست که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم، اینان همان رستگارانند»^۴

«در اینجا نقطه مقابل آن یعنی بر خورد مؤمنان را با این داوری الهی تشریح کرده، می گوید: «سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم!» کسی که خدا را عالم به همه چیز می داند، و بی نیاز از هر کس، و رحیم و مهربان به همه بندگان، چگونه ممکن است داوری کسی را بر

۱. جورج ریتزر، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، صص ۱۶۰ - ۱۶۸

۲. جعفری، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۱۸

۳. جوادی آملی، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، ص ۱۷۴

۴. نور، ۵۱

داوری او ترجیح دهد؟ لذا در پایان آیه می‌فرماید: «و اینها همان رستگاران واقعی هستند» (وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) کسی که زمام خود را به دست خدا بسپارد، و او را حاکم و داور قرار دهد بدون شک در همه چیز پیروز است، چه در زندگی مادی و چه معنوی.^۱

خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»^۲ یعنی مؤمنان رستگار شدند. مؤمنان یعنی تصدیق‌کنندگان به خدا و یگانگی او و پیغمبران او و آنچه نبی خاتم(صلی الله علیه و آله) آورده است. رستگاری حقیقی بسته به ایمان حقیقی و مقید به تمام شرایط است که در آیات بعد به صورت واضح و روشن ذکر می‌فرماید.^۳

یکی از عوامل مهم رستگاری، ارتباط با خداست، چرا که برقراری ارتباط با خالق هستی، دوری و اجتناب از زشتی و دست رد زدن به امیال نفسانی است. در برخی آیات به ثمره ارتباط با خدا که همان دوری از زشتی و امیال نفسانی است، تصریح شده است. مانند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» - ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن که شما و کسانی را که پیش از شما بودند، آفرید تا پرهیزکار شوید»^۴

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۰۷

۲. مومنون، ۱

۳. خسروانی، تفسیر خسروی، ج ۶، ص ۱۰۸

۴. بقره، ۲۱

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده به این نتیجه می‌رسیم که؛ فلاح و رستگاری دارای معانی وسیعی بوده که پیروزی های مادی و معنوی را شامل که در مومنان در دو بعد منظور می‌شود. در قرآن کریم از رستگاران به عنوان «هم المفلحون» تعبیر شده است. پیمانهای اجتماعی و وفای به آن از ضروری های شرایط زندگی جمعی و لازم تحقق و بقای همکاری اجتماعی می‌باشد که اهمیت پیمانهای به حدی است که از دیر باز و در طول تاریخ در زندگی بشر وجود داشته است. از مهم ترین سرماتیه های اجتماعی یک جامعه اعتماد متقابل افراد و گروه های اجتماعی نسبت به یکدیگر است.

یکی دیگر از مواردی که اشاره شده نیازهای بنیادی هر جامعه انسجام اجتماعی آن است که به اعتقاد قرآن کریم عامل وحدت و انسجام جامعه ادای امانت است و بزرگ ترین همان مناصب و مقامهای اجتماعی است که مردم هر جامعه بر اساس تعهدات خاص به شخص یا اشخاص خاص می‌سپارند. و همچنین قوی ترین عامل بازدارنده انسان کجرویهای فردی و اجتماعی و بهترین محرک او در محترم شمردن حقوق دیگران ایمان و تقوای الهی است که در ابتدا رستگاری فردی و جامعه را به دنبال دارد.

از دیگر عوامل رستگاری جامعه، اعتماد متقابل بین آحاد مردم است، این اعتماد به حدی جذاب است که مردم بدون دغدغه به به امور جاری خود پرداخته و نگرانی از عاقبت کارشان ندارند. هنگامی که در جامعه، انفاق، همدلی و کمک به یکدیگر رواج داشته باشد، سعادت و فلاح را می‌توان در آنجا حس نمود. جامعه‌ی سعادت‌مند و رستگار را می‌توان در انجام عمل صالح توسط مردم آن جامعه دانست و هر چه این اعمال صالح بیشتر و مداوم باشد، مردم آن جامعه سعادت رالمس نموده و از زندگی لذت خواهند برد. داشتن حاکم مدیر، مدبر، عدالتخواه و مردمی از دیگر عوامل مهم در زمینه‌ی جامعه‌ی سعادت‌مند و رستگار است، زیرا مسئولیتهای اجتماعی، امانت‌هایی هستند که افراد و گروه‌های اجتماعی به فرد یا افراد خاص می‌دهند. در پایان باید به این نکته اشاره شود که انجام عبادات و به ویژه عبادات جمعی و اتحاد و انسجام بهترین موهبتی است که جامعه را به سمت رستگاری و فلاح خواهد برد و در مقابل بی‌اعتقادی و تفرقه و نفاق بدترین آفت برای یک جامعه محسوب شده و در مقابل افراد جامعه‌ای که معتقد قلبی به خدا باشند، به طور یقین در مسیر فلاح و رستگاری حرکت خواهند نمود.

منابع

- قرآن (ترجمه الهی قمشه ای و حسین انصاریان)
- سید رضی، مجمد بن حسین، گردآورنده نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، انتشارات مشهور، قم، ۱۳۷۹ ش
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، جماعه المدر سین فی ال حوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳ ش
 ۲. استیو بروس، جامعه شناسی، مترجم: بهرنگ صدیقی، تهران، ماهی، ۱۳۸۸ ش
 ۳. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی - ترجمه ی کامل المنجد الابدی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵ ش
 ۴. جعفری، محمد تقی، شرح نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ ش
 ۵. جوادی آملی، عبدالله، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۶ ش
 ۶. جورج ریتزر، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، تهران، علمی، ۱۳۷۱ ش
 ۷. خسروانی، شاهزاده علیرضا میرزا، تفسیر خسروی، ج ۶، تهران، چاپ الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق
 ۸. خمینی، روح الله، آداب الصلاة، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷ ش
 ۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، روزنه، ۱۳۷۷ ش
 ۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۸ ش
 ۱۱. ساروخانی، باقر، دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۸۰ ش
 ۱۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش
 ۱۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش
 ۱۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش
 ۱۵. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۰ ش
 ۱۶. قمی، عباس، منتهی الآمال، تهران: مبین اندیشه، ۱۳۹۰ ش
 ۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مترجم ابوالحسن موسوی همدانی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۴، ۱۳۸۲ ش
 ۱۸. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، ۱۳۹۶ ش
 ۱۹. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا، چاپ ۵، ۱۳۷۲ ش

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش
۲۱. موسوی، سید جمال الدین، عدالت اجتماعی در اسلام، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰ ش
۲۲. ویلیام کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، مازیار، ۱۳۹۲ ش